



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



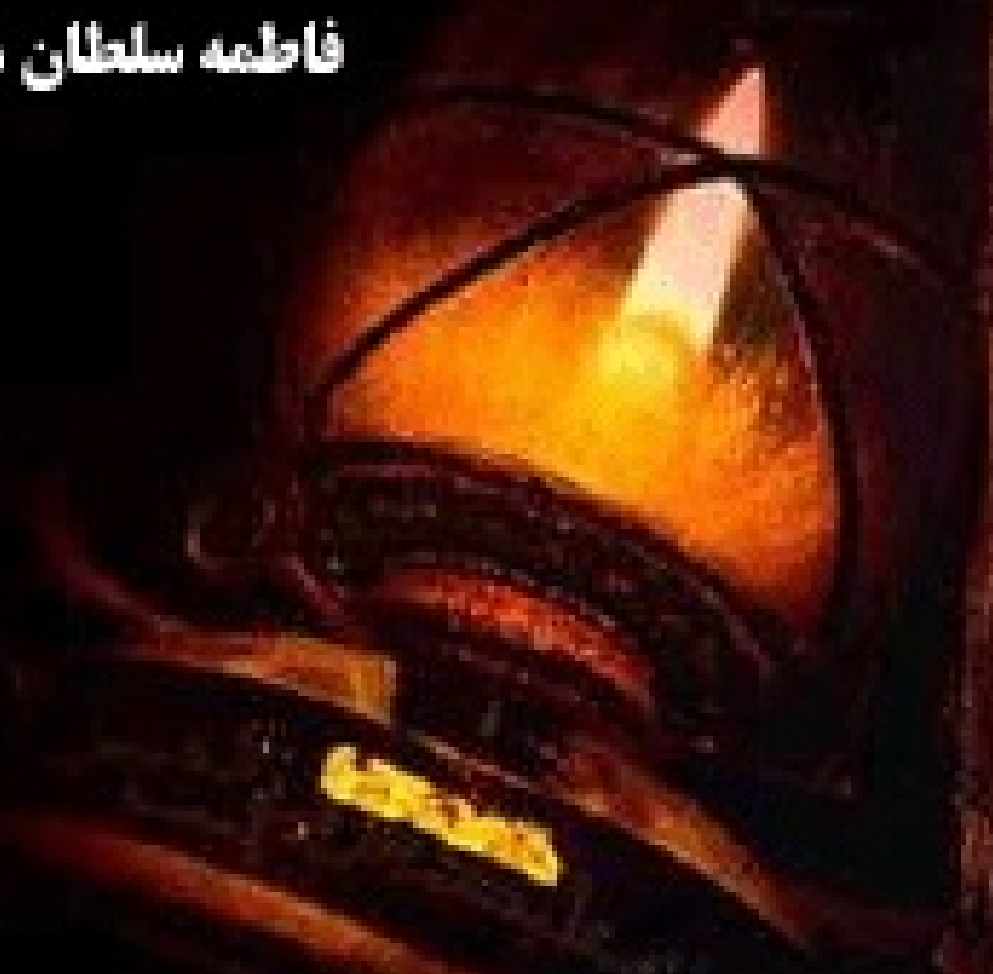
عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ویژگیهای شخصیت

امام حسین علیه السلام

فاطمه سلطان محمدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژگیهای شخصیت امام حسین علیه السلام

نویسنده:

فاطمه سلطان محمدی

ناشر چاپی:

www.ahl-ul-bait.org

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ویژگی‌های شخصیت امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	بررسی ویژگی‌های شخصیت امام حسین
۷	پایبندی به اصول
۸	صراحت در گفتار
۸	قاطعیت در عمل
۸	زیربار ستم نرفتن
۹	قهرمانی امام حسین در بیان هدف
۹	همه چیز را کوچک شمردن غیر از خدا
۱۰	سخاوت و بخشش و دیگر خواهی
۱۰	شجاعت
۱۱	صبر و شکیبایی
۱۱	نتیجه
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ویژگی‌های شخصیت امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده: فاطمه سلطان محمدی

ویژگی‌های شخصیت امام حسین (ع)

ناشر: www.ahl-ul-bait.org

توضیحات:

ویژگی‌های شخصیت امام حسین (ع)

زبان: فارسی

حجم کتاب: ۳۶۱ کیلوبایت

تعداد صفحات: ۱۴

نوع فایل: PDF

مقدمه

آیا تاکنون انسانی را دیده‌اید که با نام خدا قیام کند و به حرکت در آید، بمیرد، دیدید چگونه مقصد خود را که هدف خویش را نام او، بر گریند؟ مقصد او تا آن‌جا فراز است که همه چیز زندگی را فرود می‌بیند و هدف چنان برتر، جز ملکوت اعلی را مد نظر ندارد، گهواره‌اش آسمان‌های برین است و جای هیچ شگفتی نیست که به سویش پرکشد. خواستار پیوستن بدان سامان بود، زیرا عشق بازگشت به اصل خویش و بازجستن روزگار وصل خویش در وجودش است. هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش راه خود را از میان سنگ‌ها و خارها به پیش می‌گیرد، خشنود و خوشدل پیش می‌رود و با آرامش و اطمینان در این ره گام بر می‌دارد. با آرمان برین خود رازها بیان می‌دارد. آیا فرا سوی الله خواستی و جز به سوی الله بازگشتی، و پس از الله و برتر از او حقیقتی هم هست؟ اگر ما حسین را بر فراز همه بزرگان جای دهیم، نه تنها بزرگی را در وجود او بیشتر به شمار آورده‌ایم، بلکه بزرگی را بر چکاد عظمت، مشاهده کرده‌ایم که در برابرش بزرگان کوچکنند، و شخصیتی را نشان داده‌ایم که از همه شخصیت‌ها برتر است، و ابر مردی‌ست در میان همه مردان. شخصی که چون از هر سوی کوه وجودش فراز شوی به ستیغ بزرگی رسی، تا آن‌جا که او را مرکز برخورد بزرگواری‌ها با یکدیگر و مجمع یکتایی‌ها می‌یابی. زیرا بی‌گمان هر کس در سرچشمه عظمت پیامبر (ص) و مردانگی علی و فضیلت فاطمه فراجوشید، نمونه‌بی‌همتای عظمت انسان خواهد شد و از آیات و بینات به شمار خواهد رفت. یاد او، یاد یک شخص نیست. یاد انسانیت جاویدان است و تاریخ او، سرگذشت یک قهرمان نیست، تاریخ یک قهرمانی بی‌همتا است. پس حسین (ع) یک شخص است اما آیت اشخاص، یک بزرگ است اما حقیقت بزرگی. بنابراین شایسته آن است که همچون سرچشمه الهام که با نیرو می‌جوشد و پرتوافکن است و با تابش انوار خود همه نسل‌ها را روشنایی می‌بخشد پیوسته از آسمان وجودش نور گیریم، چه این پرتوافکنی همیشگی است. اگر کسی نیک بیندیشد بزرگ‌ترین ژرفا، وفداکاری، و بزرگ‌ترین نمونه‌ها را در وجود او می‌یابد تا آن‌جا که گویی دست خدا بر صفحه ابدیت با مرکب خون‌رنگ چنین نگاشته است. اخلاص و اراده‌ای است که معنای آن در سخت‌ترین مرگ نشان داده می‌شود. کس می‌خواهد مخلص باشد باید خود را آماده برای ناملايمات چنین مرگی کند.

بررسی ویژگی‌های شخصیت امام حسین

به حق می‌توان گفت که درک ابعاد شخصیتی امام حسین کاری بس مشکل و دشوار است، آن هم با شرایط پیچیده‌ای که دارد. شرایطی که بازتاب‌های چندی از روشنایی بر آن افتاده، لیکن در زیر آن موجی است خروشان که محیط اسلامی آن روزگار را شکل می‌داد و آن جریان از روزی پدیدار شد که موضوع حکومت در میان عصیت قبیلگی و طرز تفکر دینی در نوسان بود، سپس به رنگ‌های گوناگون درآمد و هر روز به شکل نو نمایان گردید. و سرانجام به صورت یک عقیده و دین به پایان رسید. بررسی ویژگی‌های شخصیت حسین (ع) پژوهش درباره انسانی به شمار نمی‌رود که دارای عناصری ناگسستنی از یکدیگر است و بتوان درباره‌اش حکم کرد و بلکه بررسی عناصر تاریخ اسلامی است. ما در این نوشتار برآنیم تا به بررسی گوشه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی آن ابرمرد تاریخ اشاره داشته باشیم، اگر چه قلم قاصر و زبان الکن از بیان شخصیت عظیم آن بزرگوار می‌باشد. لکن: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

پایبندی به اصول

یکی از ویژگی‌های شخصیتی امام حسین (ع) پای‌بندی آن بزرگوار به اصول و بنیادها می‌باشد. این ویژگی را می‌توان در وصیت وی به برادرش محمد حنفیه درک نمود که فرمود: من این قیام را نه از روی خودبینی و سبک‌سری می‌کنم، نه قصد طغیان دارم و نه آهنگ تبهکاری در سر و نه ستمگری را در خود می‌پرورانم، بلکه تنها هدف من آن است که در میان امت جدم خواستار اصلاح شوم. با این حرکت خود می‌خواهم به معروف فرمان دهم و از منکر بازدارم. هر کس بر پایه حق از من پذیرا شد، خدا به حق بسی شایسته‌تر است و هر کس نپذیرفت، چنان در آهنگ خود پایداری کنم که خدا میان من و آن گروه به حق قضاوت فرماید، که او از همه داوران بسی بهتر است. این سخنان صریح را در کاخ فرمانداری و در مرکز حکومت و سرسرای قدرت بی‌هیچ پروا و هراسی بیان کرد. با قلبی استوار و شجاعتی بی‌نظیر و با پشت گرمی به اصول اعتقادی و پایداری در مکتب. در این پاسخی که امام حسین (ع) به ولید داد؛ قدرت رو دروایستادن را با هوشمندی سیاسی و راه خردمندانه رهایی را با سلامت منطق و پدیده تسلیم را با اعتراض شدید در هم آمیخته است. در تاریخ چنین آمده: ولید فرماندار مدینه، امام حسین (ع) را دعوت نمود و خبر مرگ معاویه را به او داد و او استرجاع نمود، سپس نامه یزید را در مورد گرفتن بیعت برای او خواند. حسین به او گفت به نظرم نمی‌رسد که تو به گرفتن بیعت من برای یزید پنهانی اکتفا کنی، بلکه خواستار بیعتی آشکار هستی که مردم از آن با خبر شوند. ولید گفت: آری چنین است و امام حسین (ع) فرمود که برگرد و فردا همراه گروهی از مردم نزد ما بیا. در این هنگام مروان به ولید گفت: به خدا قسم اگر حسین (ع) هم اکنون بیعت نکرده از تو جدا شود، هرگز نخواهی توانست بدو دست یابی. او را حبس کن و تا بیعت نکرده اجازه بیرون رفتن به وی نده یا اینکه گردنش را بزن. حسین رو به مروان کرده به او گفت: وای بر تو ای پسر زن کبود چشم! تو می‌خواهی گردن مرا بزنی یا او! دروغ گفתי به خدا قسم و پستی نشان دادی. سپس رو به ولید کرده و گفت: فرماندار، ما از خاندان نبوت و سرچشمه رسالتیم، خدا به وسیله ما آغاز نهاد و به وسیله ما به انجام رسانید. در حالی که یزید تبهکاری می‌خواهد و کشنده اشخاص بی‌گناه و آشکار سازنده فساد و تبهکاری هاست. کسی چون من با شخصی چون او بیعت نمی‌کند. لیکن امشب را به فردا رسانیم تا ببینیم کدام یک از ما به بیعت و خلافت سزاوارتریم. قدرت پایداری برای حق در جان‌ها بانگ و فریاد حق نیز بی‌گمان اثر کوبنده خود را در گوشه‌های باطل می‌گذارد. و در نتیجه آن را یا کر می‌کند یا در صلاح و حق را به روی وی می‌گشاید. فریاد حق امام نیز همان طنین بلندی بود که انعکاس آن در گوش ولید پیچید. چنانکه ولید بعد از بیرون رفتن امام حسین خطاب به مروان چنین گفت: سبحان... اگر حسین (ع) گفت بیعت نمی‌کنم او را بکشم؟ به خدا سوگند گمان نمی‌کنم کسی با دست آغشته به خون حسین،

خدا را ملاقات کند و میزان عملش بسی سبک نباشد. خدا در روز قیامت بدو نمی‌نگرد و او را تزکیه نمی‌کند و شکنجه‌ای دردناک بهره او است.

صراحت در گفتار

از دیگر ویژگی‌های شخصیتی امام صداقت در گفتار آن حضرت می‌باشد. این نیز یکی از بزرگواری‌هایی است که در وجود امام حسین است. در نظر برخی افراد مبدأ و اصل بسی بزرگ است، اما همراه با نرمش و نیرنگ. لیکن امام حسین در برابر اصول چنان عظمتی از خود نشان داد که هرگز حاضر نبود در برابر بیعت با یزید سرمویی از آن برگردد و دست از آن بردارد. و همان فریاد بلندی که چون شعله آتش بود از او انتظار می‌رفت. او درباره بیعت با یزید چنین فرمود: سپاس ویژه الله و آنچه مشیت الله است و نیرویی به کار ناید جز به وسیله الله و صلوات خدا بر رسولش. مرگی که سرنوشت فرزندان آدم شده، چنان برازنده و زیباست که گردنبد جواهر در گردن دختران جوان، چنان به دیدار گذشتگانم واله و شیفته‌ام که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود. بهترین مرگ در پیکار، مرگی است که من با عشق و افتخار با آن روبه‌رو می‌شوم. هم اکنون به چشم پیوند تن خویش را می‌نگرم که گرگ‌های بیابان در کربلا پاره پاره می‌کنند و شکم‌های گرسنه خود را از آنها پرمی‌کنند. خشنودی خدا خشنودی خاندان پیامبر است. در برابر آزمایش او پایداری را پیشه می‌کنیم و در برابر پاداش پایداران را به دست می‌آوریم. پاره‌های تن رسول خدا هرگز از او جدا نمی‌شوند، بلکه همه با هم در بهشت برین گرد می‌آیند و چشمش را روشن می‌کنند. و پیمانی را که با او بسته‌اند بدین وسیله به سر رسانند. هان بدانید که تنها کسی که پذیرای پرداختن پاره‌های جگر خویش در راه ماست و به روان خویش وعده دیدار پروردگار را داده است، باید با ما به حرکت درآید، زیرا من بامدادان عزم رحیل دارم.

قاطعیت در عمل

جنبه دیگری از ویژگی شخصیتی امام حسین (ع)، قاطعیت در عمل می‌باشد که این جنبه از عظمت وی، عملی‌تر از صداقت در گفتار است. چه این یک آهنگ است و عزم قاطع و تعهد درونی برای رسیدن به هدف نهایی با وجود هر نوع اشکالی. درکی است که افراد حساس چنان آن را احساس می‌کنند که گویی در مغزشان جوششی چون انفجار آتشفشان به وجود آمده و در آنها جریان می‌یابد. نمونه این مطلب سخنان آتشین و منطقی حسین (ع) در برابر کسانی بود که می‌خواستند نظر او را برگردانند. البته این کسان معذورند، زیرا نه جانی چون جان او در بر و نه درکی چون درک او در سر و نه در قلب خود همچون او چنین گدازه‌هایی پر شرر داشتند. یکی از این افراد عبدالله بن عمر می‌باشد که اگر چه یزیدی نبود اما آن‌جا که با مردانگی حقیقی روبه‌رو می‌شوند، قدرت ابراز مردانگی ندارد و چون دانه‌های ریزش که در دامنه کوهی بلند قرار دارد، با وزش باد به پایین سرازیر می‌شود. امام حسین (ع) در پاسخ به وی که از او خواسته بود با گمراهان از در آشتی درآید و او را از کشتار و کشته‌شدن بر حذر داشت، گفت: «ای اباعبدالرحمان، از جمله پستی‌های این جهان در برابر خدا را ندیده و ندانسته‌ای، که سر یحیی بن زکریا، به یکی از زنان هرزه بدکاره بنی اسرائیل هدیه داده شد؟» از کلمات امام پی ببریم، که حاضر نیست از راه حق رو برگرداند.

زیربار ستم نرفتن

جنبه دیگری از ویژگی شخصیتی امام حسین (ع) زیربار ستم نرفتن است. این جنبه از جنبه‌های دیگر برتر و بالاتر می‌باشد. چه بسا افرادی را دیده‌ایم که زمانی که دنبال شهوتی می‌رود و یا کالای گرانبهایی چشم او را می‌گیرد و به دنیا پاسخ مثبتی می‌دهد، چگونه اصول و صراحت و قاطعیت ارزش‌های موجود را از دست می‌دهد. و نه تنها معنی و ارزش خود را ازدست می‌دهد، بلکه به

ضد ارزش نیز تبدیل شده و مورد سرزنش قرار می‌گیرد. و در این هنگام شرافت، پستی به شمار می‌آید. زیربار نرفتن، سنگ بنای نخستین ارزش‌های انسانی است، به همین جهت امام حسین (ع) جز پذیرفتن خواری و زور به چیزی رضا نداد و در این باره سخنی گفت که نفس سرکش را نابود می‌کند: «سوگند به خدا، نه همچون خوارشدگان دست تسلیم به شما می‌دهم و نه چون بندگان ترسو فرار می‌کنم. بندگان خدا، به پروردگار خود پناه می‌برم از این که بخواهید مرا از خود برانید و بیفکنید و به پروردگار خود پناه می‌برم، از هر خود بزرگ‌بینی که به روز قیامت ایمان نمی‌آورد.» آری خودداری او از تن دادن به ذلت و خواری چنان مردانگی به مردان آموخت و زیربار ذلت نرفتن را به آنان تعلیم داد که هیچ کس تاکنون نتوانسته است مانند او عمل کند. آن حضرت از پذیرفتن آسایش و رفاه و لذت امتناع ورزید؛ زیرا لذت و نعمت حقیقی در چیزی فراسوی نعمت‌های دروغین زندگی و خواست‌های پست و نادرست آن می‌باشد. آن کس که هدف والایی در زندگی انسانی دارد، چیزی جز رسیدن به آن را لذت‌بخش نمی‌داند. و چیزی جز عملی شدن آن را سعادت نمی‌خواند.

قهرمانی امام حسین در بیان هدف

این جنبه از شخصیت امام حسین (ع) از جنبه‌های دیگر آشکارتر است. هیچ کس جز او بدین زیبایی از خود قهرمانی نشان نداده است. یکی از برترین موقعیت‌های قهرمانی حسین موقعیتی است، که این سخنان را به زبان می‌آورد: «قوموا رحمکم الله، الی الموت الذی لا بد منه، فان هذه السیاهم رُسل القوم الیکم.»؛ خدا شما را رحمت کند، به سوی مرگی به پاخیزید که از آن گریزی نیست، زیرا این تیرها پیام آن گروه هستند به سوی شما برای آغاز جنگ. آن حضرت مدتی از روز را تن به تن یا جمعی، به پیکار سپری کردند، به طوری که تعداد زیادی از یاران اندک حسین (ع) کشته شدند. در این هنگام امام ریش خود را در دست گرفت و گفت: «خشم خدا هنگامی بر یهود برافروخت که برای او فرزند قایل شدند و خشمش هنگامی بر نصارا شدت یافت که او را در ردیف سوم تثلیث خود قرار دادند، و بر مجوس آنگاه سخت خشمگین شد که به جای او بر پرستش ماه و خورشید دست زدند، و غضبش بر گروهی برافروزد که به اتفاق به کشتن فرزند دختر پیامبرشان کمر بستند، اما سوگند به خدا در برابر خواستشان سر تسلیم فرود نیاورم تا خدای را در حالی ملاقات کنم که با خون خویش خضاب کرده باشم. زیبایی شجاعت آن جاست که می‌گوید: «خدا شما را رحمت کند، به سوی مرگی برخیزید» و آن جا که «سوگند به خدا تسلیم خواستشان نگردم تا خدای متعال را در حالی ملاقات کنم که با خون خویش خضاب کرده باشم.» امام حسین (ع) یاران خود را بدون هیچ ترس و نگرانی به مرگ فرامی‌خواند گویی به خوردن غذای لذیذی دعوت می‌کند، زیرا مرگی که برای رسیدن به هدف باشد در کام او بسیار شیرین و لذت‌بخش می‌باشد.

همه چیز را کوچک شمردن غیر از خدا

این جنبه از عظمت امام حسین (ع) هم شگفت‌انگیز است. هر چیزی را جز خدا کوچک می‌شمرد و همه چیز را برای رسیدن به هدف نهایی که همان خداست، سهل می‌داند. هر چند که مشکل‌ترین کارها باشد. به همین علت به جرات می‌توان او را دومین سازنده کاخ اسلام نامید، و او بود که کاخ توحید را باسازی نمود. او بود که یارانش در جلوی چشمش به کام مرگ می‌رفتند و فرزندان پی در پی به تلخ‌ترین منظره و سوزناک‌ترین شیوه حرمش را که در برابر او به ناله و بی‌تابی مشغولند و از شدت تشنگی به خود می‌پیچند. با وجود اینها هیچ کس جز حسین را ندیده‌ایم در چنین موقعیتی اصول مکتب را مقدس داند و در برابر خدا و برای رسیدن به خدا خم به ابرو نیاورده و مشکلات را برای خدا به جان و دل بخرد.

سخاوت و بخشش و دیگر خواهی

اسلام تنها دینی است که آموزش‌های مادی و معنوی خود را بر پایه این احساس گذاشته است و در توجه بدان به اندازه‌ای پیش می‌رود که آن را پایه ایمان قرار داده است. اگر اسلام اعمال ظاهری و شعائر را بر پنج پایه قرار داده است، ایمان او هنگامی استوار می‌گردد که این احساس به تحقق برسد. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «کسی از شما ایمان نیاورده، مگر این که آنچه برای خود می‌خواهد، برای برادرش هم بخواهد.» امام حسین (ع) به اقتضای فطرت و آموزش‌های دین، در زمینه احساس نوع دوستی نمونه بی‌مانندی است. ابن عساکر در تاریخ کبیر خود از قول ابی هشام قناد نقل می‌کند که کالایی از بصره برای امام حسین برده شد و تا آنها را نبخشید از جای خود برنخواست. و نیز گفته‌اند سائلی کوچه‌های مدینه را زیر پا گذاشت و آمد تا به در خانه حسین (ع) رسید. کوبه در را زد و چنین گفت امروز کسی که به امید تو آمده دست خالی برنگردد و آن کس که حلقه در تو را کوفت ناامید نگردد. تو دارنده بخشش هستی و سرچشمه آن، پدر تو کشنده فاسقان و منحرفان بوده است. حسین (ع) در حال نماز بود، همین که صدای سائل را شنید نمازش را تمام کرد و آمد. دید آثار تنگدستی بر چهره اعرابی نشسته است. زود برگشت از قنبر، پرسید: از هزینه خانه چیزی در نزدت نمانده، گفت: فقط دویست درهم مانده که فرمودی میان افراد خانه تقسیم کنم. گفت: آنها را بیاور که از افراد خانه مستحق‌تری رسیده. آنها را از قنبر گرفته به اعرابی داد و فرمود این مختصر را بگیر و عذر مرا بپذیر و بدان که دلم برای تو بسی می‌سوزد و سپس فرمود: اگر در دست ما یک چوبدستی بود که دراز می‌شد، (امکان و قدرت مالی داشتیم) آسمان جود ما باران بخشش بر تو می‌بارید. لیکن پیشامدهای روزگار بسی گوناگون است و دست ما از درم بسی تهی است. اعرابی آن را گرفت و گفت: خدا بهتر می‌داند رسالتش را در چه خانواده‌ای قرار داده است. یاقوت مستعصمی از انس روایت می‌کند که گفت: در نزد حسین (ع) نشسته بودم که زنی خدمتگزار با دسته گلی وارد شد و با دادن آن گل به وی تحیت گفت، حسین در پاسخ تحیت به او گفت: تو آزادی به خاطر خدای متعال. به او گفتم خدمتگزاری دسته گلی برای تو می‌آورد، تو او را آزادی می‌کنی فرمودند: خدا ما را این چنین تربیت کرده است و چنین می‌فرماید: «و اذا حُیِّتم بتحیه فحیوا بأحسن منها اورژوها» از آن تحیت بهتر آزاد کردن او بود.

شجاعت

انسان هر چند که استعدادهایی سرشار، گسترده و برتر داشته باشد، جز با تقویت و تحکیم آنها به وسیله شجاعت، به پیروزی شایان نمی‌رسد، زیرا شجاعت به معنای به کار بردن توانمندان این استعدادها و دادن ارزش حقیقی به آنهاست. پس شجاعت رساترین تعبیر برای نیروهای درونی است. هر شخصیتی، در هر موقعیتی که باشد، هنگامی که شجاعت ندارد، ارزش انسانی خود را از دست می‌دهد، به پژمردگی می‌گراید، زبونی بر او چیره می‌گردد و ترس هم، به هر شکل آن بیماری کشنده‌ای است که شخصیت را، با همه خرمی و سرزندگی غافلگیر می‌کند و می‌کشد. شجاعت مهار کردن خود در برابر هر عاملی است، با هر شدت و قدرت که باشد، همچنین وجود و مقدار بقاء امم و عزت و سربلندی آنها وابسته به میزان بهره‌ای است که از شجاعت داشته باشند. همچنین خویشتن‌داری و صراحت لهجه و مقاومت با ناملایمات و سختیهای روزگار و احترام به آزادی دیگران ناشی از ملکه شجاعت است. تمام مظاهر این شجاعت در حسین (ع) وجود داشت و روح و جسم او مرکز نمایش عالیترین مرتبه شجاعت بود. وی با قوت قلب در نبرد با دلیران اقدام کرد و صابرا نه حمله می‌نمود و فرار از جهاد را پستی و عار می‌دانست. با نفسی مطمئن و عزمی آرام به استقبال شدائد می‌رفت. مصافحه با شمشیر و نیزه را در راه خدا غنیمت می‌دانست و جانبازی و ریختن خون دل را در راه عزت بهایی کم می‌شمرد، و از پستی و دنائت ابا می‌کرد، اگر چه متضمن قتل و شهادت باشد. طبری و ابن اثیر از عبدا... بن عمار نقل

کرده‌اند که وقتی پیادگان لشکر عمرسعد از چپ و راست حمله کردند، آن حضرت بر آنها که از جانب راست حمله‌ور شده بودند حمله کرد تا گریختند و بر آنها که در سمت چپ بودند، حمله فرمود تا آنها را نیز تاراند، و در این حال عمامه بر سر و پیراهن خزی در برداشت. به خدا سوگند هرگز شکسته‌ای را ندیدم که فرزندانش و اهل بیت و اصحاب و یارانش کشته شده باشند، دلدارتر و قوی‌تر و بی‌بیم‌تر از حسین. به خدا سوگند پیش از او و بعد از او کسی را مثل او ندیدم. به هر سو حمله می‌کرد و لشکر از او می‌گریختند. ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: کیست در شجاعت مانند حسین بن علی که در میدان کربلا گفتند: ما ندیدیم کسی را که انبوه مردم بر او حمله‌ور شده باشند، و از برادران و اهل و یاران جدا شده باشد، شجاعتر از او مانند شیر، سواران را در هم می‌شکست و چه گمان می‌بری به مردی که راضی به پستی نشد و دست در دست آنها نگذارد تا کشته شد.

صبر و شکیبایی

چنان‌که از مفهوم آیات و روایات استفاده می‌شود، علاوه بر بلندی مقام و رتبه صابران معلوم می‌گردد که صبر کلید برکات و مقدمه نیل به مقامات معنوی و شرط توفیق در هر کار خیر و علم و عمل و کسب هر فضیلت است. امام حسین (ع) در مقام صبر امتحانی داد که دوست و دشمن از آن شگفت زده شدند و فرشتگان بر حسب زیارت ناحیه مقدسه «و لقد عجبتم من صبرک ملائکه السماء» نیز از آن شکیبایی در تعجب ماندند. صبر امام حسین (ع) تنها صبر در یک زمینه خاص نبود. بلکه شخصیت وجودی آن حضرت مزین به جمیع انواع صبر بود. صبر در جهاد، صبر در عبادت، صبر در مشکلات، صبر در مصیبت، صبر در خشم و غضب و... آن حضرت در مرحله عمل از خود شکیبایی نشان می‌دادند. یکی از نمونه‌های صبر و بزرگواری امام زمانی است که امام در مقابل لشکریان حر صبر نمودند و وقتی که در یک روز گرم و آفتابی نزد امام رسیدند و امام (ع) دیدند که آنها به سختی تشنه هستند، فرمان داد تا به آنها و اسبهایشان آب بدهند و بر حسب امر امام تمام سپاه دشمن و مرکب‌هایشان را نیز سیراب کردند و بر پاها و شکم چهار پایانشان آب پاشیدند. از نمونه‌های صبر آن حضرت امتناعی است که از ابتدا به جنگ داشت. با اینکه می‌دانست لشکر کفر پیشه به هیچ وجه بر او و عزیزانش رحم نمی‌کنند و با این‌که از آنها کارهایی سر می‌زد که صبر کردن را در مقابل آنان دشوار می‌نمود، ولی آن حضرت حجت رابر آنها تمام ساخت و نه خود و نه اصحابش دست به اسلحه نبردند. هم‌چنین وقتی آب را روی امام و اصحابش بسته بودند و در لشکر امام حسین (ع) هیچ زن و مرد و کوچک و بزرگی نبود، مگر این‌که تشنه بودند و صدای تشنگی آنها همواره به گوش امام می‌رسید. آن حضرت از ابتدا به جنگ خودداری نمود. زیرا می‌خواست جنگش با آنها صورت دفاع داشته باشد. آری صبر آن حضرت در مقابل تشنگی، و نشانه تصمیم و عزم راسخ فوق‌العاده آن امام همام می‌باشد.

نتیجه

آنچه گفته شد از مهم‌ترین عناصر شخصیتی بود که امام حسین (ع) بیشترین بهره را از هر یک برده است، لذا او شخصیتی است برتر از دیگر شخصیت‌ها، و اگر بخواهیم شخصیت او را با دیگران مقایسه کنیم، جوابی جز این ضرب‌المثل عربی نخواهیم داشت: «اریه السها و یرینی القمر» یعنی من ستاره سها را به او نشان می‌دهم و او ماه را با همه وضوحش به من نشان می‌دهد. او به دنیا با چشمی دیگر و از زاویه‌ای دیگر نگرست و در نتیجه آن را چنان که حقیقتش بود دید، نه کمترین تمایلی به دنیا در او پیدا شد و نه کوچکترین چشم داشتی بدان در وجودش پیدا گردید. امام حسین (ع) در این دانشگاه درسی به ما می‌دهد. که نمونه درخشانی از رهبر مبارزی را به ما نشان می‌دهد که چون پا به میدان حق و باطل می‌گذاشت جز با پیروز گردانیدن حق یا فداشدن در راه آن از میدان بر نمی‌گشت. اگر چه پیروزی حق حتمی است و اگر چه باطل را برای چند روز صولتی و اهل باطل را دولتی باشد، لیکن پایدار نیست. حسین ای همایون همای سعادت حسین ای شه‌ملک صبر و شهامت فروغی ز نور تو خورشید رخشان ز دریای جود تو

کوثر حکایت تویی نور چشمان زهرا و حیدر گل احمد بوستان رسالت پیا از قیام تو شد پرچم دین نگون گشت اعلام کفر و ضلالت

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌مرضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

